



۲	..... مقدمه
۲	..... آیه شش سوره طلاق
۲	..... متعلق وجوب مشورت در آیه ائتمار
۲	..... ۱. رضاع و شیر دادن فرزند
۳	..... ۲. مطلق امور مربوط به فرزند
۴	..... نظر استاد: اطلاق آیه بر «مطلق امور مربوط به فرزند»
۴	..... ۱. شأن نزول و سیاق آیات
۴	..... ۲. مفهوم «ائتمار»
۵	..... بحث اصولی
۵	..... قاعده «اصالة الموضوعية»
۶	..... استثنا در قاعده «اصالة الموضوعية»
۷	..... «اصالة الموضوعية» در مفهوم ائتمار
۷	..... مفهوم «طریقی بودن ائتمار»
۸	..... شمول خطاب در آیه ائتمار
۹	..... موضوعیت رضاع توسط مادر
۱۰	..... محدوده سنی در شمول آیه ائتمار
۱۱	..... جمع بندی آیه ائتمار



## مقدمه

ما از منظر مباحث تربیت خانوادگی یک مرور مجددی به آیه و ادله وظائف تربیتی خانواده خواهیم داشت آیه اول را بحث کردیم و نتیجه آن را ملاحظه کردید که با آن احتمالی که ما تقویت کردیم در حقیقت آیه یک وظیفه ویژه ای در خصوص مسائل تربیت اخلاقی و معنوی دینی فرزندان بر دوش پدر و مادر و اعضای خانواده می‌گذارد.

## آیه شش سوره طلاق

آیه دوم آیه ششم سوره طلاق بود که «وَأَتْمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» بود در این آیه هم نکاتی را عرض کردیم و گفتیم که ائتمروا در اینجا به معنای مشورت میان زوجینی که طلاق داده‌اند هست در باب بمعروف هم دو احتمال گفتیم که چون بحث فرزند مطرح هست متعلق این مشورت که می‌گوید باید بین خودتان مشورت کنی یا در امر نیک متعلق این ائتمار و همفکری و همکاری همان امور فرزند است این متعلق ائتمار است یعنی وجوب ائتمار و تشاور در امر فرزند است.

## متعلق وجوب مشورت در آیه ائتمار

این که متعلق وجوب مشورت در اینکه واجب است مشورت شود متعلق مشورت در اینجا چیست؟ این دو احتمال دارد: یکی اینکه متعلقش امور مربوط به فرزند است اما فقط همان رضاع و شیر دادن است یا اینکه مطلق است باید در امر فرزند مشورت کنید همفکری کنید برای اینکه درست به امور او رسیدگی شود. این دو احتمال اینجا وجود دارد.

### ۱. رضاع و شیر دادن فرزند

سیاق آیه و مباحثی که در آیه مطرح هست همان بحث رضاع است یعنی بحث این است که همکاری و همفکری کنید برای اینکه این بچه از شیر مادر و رضاع محروم نشود این معنای مشورت و همفکری و همکاری این است که او مزد زیادی طلب نکند او هم از دادن مزد دریغ نرزد. این قدر متیقن آیه است. او کمی کوتاه بیاید و او هم سخت نگیرد

برای اینکه فرزند از شیر مادر که در حوزه تربیت جسمانی و بدنی هست محروم نماند که آیات روی این تاکید دارد این یک احتمال است که قدر متیقن آیه هم این است.

## ۲. مطلق امور مربوط به فرزند

اما احتمال دوم این است که بگوییم درست است که مورد این است ولی مورد مخصص نیست و آیه «وَأْتَمِرُوا بِبَيْنِكُمْ بِمَعْرُوفٍ» ولو در خصوص رضاع است ولی می‌توانیم بگوییم اطلاق دارد یعنی در امور فرزند و در تربیت فرزند در ابعاد دیگر هم شما مشورت و همفکری کنید.

این احتمال دوم که مبتنی بر یکی از این دو استدلال است، دو دلیل می‌شود برای این آورد؛ یک دلیل این است که بگوییم خود اطلاق آیه هست و اینکه مورد هم مخصص نیست ولو اینکه بحث رضاع و این‌ها است ولی مورد هیچ وقت مخصص نیست آیه به زن و مرد خطاب می‌کند که «وَأْتَمِرُوا بِبَيْنِكُمْ بِمَعْرُوفٍ» و ما از قبل و بعدش هم می‌فهمیم که این معروف در اینجا معروف نسبت به ولد هست و در امور فرزند می‌گوید همکاری و مشورت کنید اما به چه دلیل بگوییم فقط رضاع «وَأْتَمِرُوا بِبَيْنِكُمْ بِمَعْرُوفٍ» اطلاق دارد آن روز هم گفتم که «وَأْتَمِرُوا بِبَيْنِكُمْ بِمَعْرُوفٍ» می‌شود بگوییم که شمول دارد که در روابط با خودتان و در ارتباط با فرزندان مشورت کنید یعنی همفکری و مشورت کنید هم در روابط خودتان و هم روابط فرزندان. می‌شود بگوییم که اطلاق دارد و هم فرزند را می‌گیرد و هم غیر فرزند را و در امور فرزند هم مطلق است چه امور رضاع و شیرش باشد چه سایر امورش باشد. این یک وجه است ممکن است کسی به تنقیح مناط یا اولویت تعمیم دهد بگوید ولو آیه در خصوص رضاع بچه هست اینکه همکاری کنید که بچه از شیر محروم نماند و مسائلی از این قبیل اما وقتی آیه در این امر این تاکید را دارد در سایر مسائلی هم فرقی ندارد یا به طریق اولی ممکن است اینطور باشد یعنی در اینکه جنبه‌های اخلاقی و معنوی و مسائل اینطور هم در حوزه رضاع نیست بلکه در حوزه‌های دیگر تربیتی است همین حکم را دارد. الغاء خصوصیت و تنقیح مناط را شامل می‌شود. این هم احتمال دوم است.



## نظر استاد: اطلاق آیه بر «مطلق امور مربوط به فرزند»

دومی را خیلی نمی‌شود گفت، عمده در رضاع و شیر و شکل‌گیری شخصیت بچه که روی شیر و تغذیه سالم و این‌هاست یک عنایتی وجود دارد و اینکه بگوییم اگر یک تأکیدی و حکمی در باب رضاع آمد این را می‌شود به قلمروهای دیگر هم تسری داد این تسری وجهی ندارد یعنی باید مطمئن باشیم که ملاک این در آنجا هم هست. بنابراین می‌شود بگوییم که آیه اطلاق دارد ولو اینکه قبل و بعدش در مورد رضاع است اما «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» در روابط میان خودتان و در ارتباط با فرزند باید به یک شکل مناسبی همکاری کنید اطلاق این بعید نیست در قواعد هم این‌طور است این جمله جمله مستقل است و خطاب به زن و مرد است ولو اینکه قبل و بعدش بحث رضاع هست اما بعید نیست که ما این اطلاق را بپذیریم یعنی امور مربوط به فرزند همه مربوط به رضاع نیست جنبه‌های اخلاقی و روحی و شخصی و چیزهای دیگر هم هست شما باید همکاری کنید و به وظائفی که داریم عمل کنید. البته این اطلاق است یعنی ممکن است کسی مقاومت کند بگوید که چنان فضای آیه فضای رضاع هست که نمی‌گذارد اطلاق منعقد شود ولو اینکه شأن نزول هم مقید و مخصص نیست ولی این جمله در میانه جمله‌های دیگر قرار گرفته و در ارتباط به آن‌هاست و به نحوی این سیاق با اضافه مورد مجموعاً نمی‌گذارد اطلاق منعقد شود. این هم ممکن است کسی به این شکل اطلاق را منع کند گر چه به نظر می‌آید که با قواعدی این اطلاق را می‌شود پذیرفت.

### ۱. شأن نزول و سیاق آیات

چند نکته مهم که با اینجا ربط دارد، یکی این است که شأن نزول و سیاق آیات است. مورد همان شأن نزول است کسانی مثل مرحوم علامه در این سیاق تأکید داشتند ولی اصولیین و فقهای به این بحث سیاق و این‌ها خیلی پایبند نیستند. می‌گویند این خودش یک جمله مستقل است و مفهوم و مضمون خودش را دارد.

### ۲. مفهوم «ائتمار»

یک نکته مهم دیگری هم که در آیه هست مفهوم ائتمار است ائتمار بنا بر آنچه که مشهور مفسرین می‌گفتند گفتیم مفهوم ائتمار تشاور است شاهدش هم این است که در آیات دیگر هم گاهی تشابه بین زن و مرد و این‌ها آمده است. ائتمار که گفتیم به معنای تشاور و مشاوره هست سؤالی در مورد این آیه وجود دارد که آیا موضوعیت دارد یا طریقت،



دو احتمال در باب این وجود دارد یک بار است که می‌گوییم نفس مشورت و اینکه او بگوید که من نظرم این است و نظر تو چیست و تبادل نظر و مشورت و رایزنی خوداین در مقام توجه به شیر و حداقلش رضاع بچه واجب است آیه هم واجب می‌کند و تأکید هم می‌کند که برای اینکه بچه محروم نشود مشورت کنید درست است که ائتمار به معنای مشورت است از میان چهار احتمال به معنای مشورت هست یا حتی اگر به معنای این باشد که همدگیر را در باب رضاع بچه به معروف امر کنید این مشورت یا امر متقابل به نیکی به فرزند و رضاع مناسب فرزند آیه موضوعیت دارد یعنی خود این فی حد نفسه و با قطع نظر از هر چیز دیگری این رایزنی و مشورت واجب است یا اینکه نه به این بیان که مشورت کردن اصلاً خود این مفهوم در ارتکاز عرفی یک امر طریقی است می‌گوییم مشورت کنید برای اینکه به آن نتیجه برسید و این بچه محروم نشود این مشورت برای این است که همکاری شود برای اینکه بچه محروم نشود.

## بحث اصولی

### قاعده «اصالة الموضوعية»

بعید نیست که بگوییم این نوع مفاهیم که جنبه طریقت دارد ما در اصول بحث کلی داریم و این را به عنوان مقدمه عرض می‌کنم یک قاعده ای داریم اصالة الموضوعية در عناوین وارده در لسان شرع، وقتی که یک عنوانی در یک روایتی آمد وقتی می‌گوید خمر و غیبت و این‌ها ظاهر عنوان این است که خود او به ما هو هو موضوع حکم است اینکه ما بگوییم یک چیز دیگری عنوان حکم است این مشیر به اوست یا طریق به اوست این‌ها همه خلاف در قاعده هستند اصل در عناوین وارده در لسان شرع موضوعیت است یعنی خود عنوان به ما هو هو موضوع حکم است و این آینه‌ای برای چیز دیگر یا اشاره به چیز دیگری نیست خودش موضوعیت دارد الا در یک موارد خاص پس در اصل این اصالة الموضوعية یک قاعده کلی است الا در موارد خاص آن موارد خاص.

## استثنا در قاعده «اصالة الموضوعية»

چند مورد مثال می‌زنم یکی آنجایی است که تعلیل در لسان شارع باشد همان مثال مشهور استمی گوید لا تشرب الخمر لأنه مسکر. اگر لا تشرب الخمر به تنهایی بود موضوع حکم خمر بما هو خمر بود ولی وقتی می‌گوید لأنه مسکر معلوم می‌شود خمر مصداق است خودش موضوعیت ندارد آنچه که موضوع است در واقع این است لا تشرب المسکر خمر از موضوعیت می‌افتد. این یکی از موارد است که تعلیلی در لسان شارع باشد یک مورد هم عناوین طریقی است عناوینی است که عرف آن را طریقی می‌داند مثل علم «حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ» بقره/۱۸۷. تبیین یعنی بفهمید ببینید یا علم پیدا کنید. معمولاً این واژه‌ها و مفاهیم مثل علم و تبیین عرف می‌گوید این طریق به موضوع است خودش موضوعیت ندارد و لذا آن جاهایی که می‌گوییم علم طریقی یا موضوعی است علم و این‌ها وقتی در موضوع دلیل هم بیاید اصلش این است که موضوع نیست طریق است مگر اینکه قرینه خاص داشته باشیم که علم موضوع است؛ و قرائن دیگری هم گاهی هست گاهی هم قرائن خاصه ما داریم که این عنوان موضوعیت ندارد این عنوان مشیر است عنوان طریق است نه اینکه ذات خودش موضوعیت داشته باشد. در آیه شریفه مربوط به طلوع فجر و این‌ها آن‌هایی که مثل حضرت امام و اینها می‌گفتند در لیالی مُقَمَّرَه یعنی شبهای مهتاب صبر کنید، آن‌ها دو استدلال دارند یکی استدلال قرآنی دارند می‌گویند همین حتی تبیین دارد می‌گویند «كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ» بقره/۱۸۷. این تبیین حسی است و تبیین موضوعیت دارد این یک دلیلش است و یک دلیلش هم روایت علی بن مهزیار است و معمولاً این را جواب می‌دهند می‌گویند تبیین طریقی است این نوع عناوین مثل علم و این‌ها هیچ وقت موضوعیت ندارد که باید این تبیین حسی الان پیدا شود. تبیین خیط ابیض من خیط اسود یعنی آن اتفاقی که در آن لحظه رخ می‌دهد واقع شود تا وقت آزادی خوردن و آشامیدن تمام شود و وقت نماز برسد آن اتفاق واقعی موضوع است تبیین طریق به آن است آن اتفاق واقعی ممکن است در شبهای مهتابی به آن شکل دیده نشود آیه را اینطور جواب می‌دهند روایت هم به یک طریق دیگر است جوابی که ما به آن داریم و یک اختلاف نسخه استدلالی که امام به آن دارد نفی کردیم چون روایت اختلاف نسخه دارد و اختلاف نسخه پاسخی است برای آن است که حضرت امام دارند و آن نظر درست نیست که باید در آن شب‌ها صبر کرد.



## «اصالة الموضوعية» در مفهوم ائتمار

در بحث تشاور ممکن است بگوییم از نوع دوم است اینکه می‌گوید در بحث رضای بچه مشورت کن عرف می‌گوید مشورت کردن یعنی اینکه همکاری کنید در حقیقت می‌خواهد بگوید که بچه از آنچه که مصلحت اوست محروم نماند اینکه می‌گوید مشورت کنید و حرف همدیگر را قبول کنید در واقع می‌خواهد بگوید که کوتاه بیایید و همکاری کنید برای اینکه این تکلیف محقق شود؛ و لذا ممکن است هیچ رایزنی و همفکری نکنند و هر دو طرف از اول بر یک امری توافق دارند بدون اینکه رایزنی کنند و مشورت و امثال این‌ها باشد. این قاعده کلی است که در آنجا گفته شده و در اینجا هم بعید نیست همینطور باشد که «وَأَتَمُّوْا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» یعنی تشاورا در امر رضاع فرزند این تشاور در حقیقت روحش همان همکاری است که او از این رضاع محروم نماند یعنی همکاری کند که این در مسیر تربیتی درست قرار بگیرد. شاید شود با این مقدماتی که عرض کردیم بگوییم این تشاور طریقت دارد و تأکید بر تشاور از باب این است که آن همکاری محقق شود و در حقیقت امر اصلی آیه این است که همکاری کنید برای اینکه این بچه درست شیر بخورد و از آنچه که مایه رشد و سلامت اوست محروم نماند. این همکاری لازم است و اینکه همکاری با مشورت باشد یا بدون مشورت محقق شود موضوعیتی ندارد. این خیلی نکته قوی است یعنی تا به شما بگویند همفکری کنید برای این موضوع می‌گوید اگر بدون رایزنی هم توافق حاصل باشد موضوعیت ندارد. این طریق که می‌گوییم یعنی می‌گوییم روح ائتمروا یعنی تعاونوا. تعاون کنید تعاون و تعامل چه در این امر چه جای دیگر مطلق است.

## مفهوم «طریقی بودن ائتمار»

اینکه ما می‌گوییم طریقی است معنای این است که روح ائتمروا، تعاونوا است همکاری کنید در هر چیزی باشد فرقی نمی‌کند اگر قائل به اطلاق باشیم چه ائتمروا باشد چه ائتمروا بما هو هو باشد یا آینه ای برای تعاونوا باشد ما فقط این حیثش را بر می‌داریم می‌گوییم ائتمروا به ما هو هو نیست در ائتمروا شما تعاونوا ببینید ولی اطلاق دارد. فهم ما از ائتمروا همان تعاونوا است ائتمروا یک آینه است برای حکایت از موضوع واقعی منتهی چون غالباً آن تعاون با این رایزنی می‌شود به این شکل گفته است و الا همان را می‌خواهد بگوید یعنی در مقام تحاور ما می‌گوییم ذهن روی همان

موضوع می‌رود و روح مسأله را می‌گوید. در هر حال نکته مرتبط به بحث ما این است که بعضی از عناوین عرف از آن موضوعیت نمی‌فهمد می‌گوید در واقع مبنا آن است به این شکل بیان شده است.

## شمول خطاب در آیه ائتمار

نکته دیگر هم که اینجا هست این است که این آیه مربوط به زوجینی است که طلاق داده‌اند می‌گوید «وَأَتَمِّرُوا بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ». طلاق حاصل شده است ممکن است سؤال شود که آیه اختصاص به زوجین بعد از طلاق دارد یا اینکه شامل زوجین در حال زوجیت هم می‌شود؟ این مورد آیه باز اینجا مربوط به بعد از طلاق است کل آیه که ملاحظه کردیدی بحث این است که زن و مرد طلاق گرفته‌اند و فرزندی دارند آیه می‌گوید که در رضاع او همفکری و همکاری کنید که این بچه لطمه ای نبیند ممکن است تعمیمی دهیم بگوییم در سایر شئون تربیتی هم شما همکاری کنید که در مسیر درستی قرار بگیرد. و ائتمروا خطاب این آیه به زوج و زوجه ای است که از هم جدا شده‌اند اینجا چیزی نیست که بگوییم اطلاق دارد و ائتمروا خطاب متوجه زن و مردی است که از هم جدا شده‌اند می‌گوید نسبت به مسائل تربیتی و رضاع این بچه بی تفاوت نباشید همکاری کنید پس اینجا نمی‌توانیم خود آیه اطلاق دارد و آن‌ها را هم می‌گیرد اگر بخواهیم بگوییم شامل زوجین قبل از طلاق و بدون طلاق در حال زوجیت هم می‌شود باید تنقیح مناط کنیم یا اولویت را بگوییم می‌گوید وقتی که بعد از طلاق می‌گوید همکاری داشته باشید قبل از طلاق هم یا به طریق اولی یا حداقل مثل این است یعنی در حال زوجیت هم به این امر توجه داشته باشید. اینجا هم این اولویت و تنقیح مناط را گرچه ما سابق این را قبول کردیم گفتیم با تنقیح مناط اینطور نوشتند و قبول داشتیم بعد که فکر می‌کردیم کمی این امر بعید است ممکن است تأکیدی که آیه بر همکاری و توجه به رضای بچه دارد این به خاطر این است که بعد از جدا شدن و در معرض مسائل خاصی ممکن است بچه باشد این تکلیف را الزامی کرده که توجه کنند اما وقتی که زوجیت است الزامی نیست برای اینکه عملاً خودشان انجام می‌دهند همان ترجیح و تکلیف استجابی کافی است برای اینکه این‌ها اقدام کنند و وجود علقه زوجیت خودش تضمین کننده مصالح این فرزند است ممکن است اینطور بگوییم و البته ما گفتیم که آیه در حقیقت ملاک و مناط در امر به همکاری به رضاع و تربیت فرزند ملاک مصالح بچه است و اینکه طلاق اجرا شده باشد یا نشده باشد دخالتی ندارد و لو اینکه در حال طلاق به خاطر مشکلات خاصی تأکید شده ولی بالاخره روحش در



آنجا هم هست و الغاء خصوصیت را پذیرفتیم. ولی کمی ذهن آدم بعید تر می‌شود که می‌شود اینطور تنقیح مناطی کرد. اگر این باشد محدوده دلالت این آیه از قوا اُنفسکم و اهلکم نارا خیلی محدود می‌شود. مگر اینکه راه دیگری را بیاوریم و یک راه تنقیح مناط یا اولویت است و یک راه این است که مفروض آیه وجوب یک تکلیف به دلالت اقتضاء است. فرض این است که زن و مرد یک تکلیفی در قبال این بچه در رضاعش داشته‌اند و توجه به جنبه شیر و پرورش جسمی و این‌ها این زوجیت که از هم جدا شده ممکن است بگوییم تکلیف این‌ها را ضعیف کرده یا تکلیفی ندارند می‌گوید شما تکلیف دارید. یعنی مفروض آیه و لحن آیه این است که وظیفه ای بوده است می‌گوید این تمام نشده و باید ادامه پیدا کند این هم خیلی وجوه تامی نیست. تنقیح مناط امر مستبعد زیادی نیست باید اطمینان داشت ما در بحث سابق این را پذیرفتیم که فرقی نمی‌کند می‌گوید همکاری کنید در این شرائطی که می‌گوید در آن شرائط هم همینطور است آنچه که روح قصه است این است که بچه از رشد جسمانی محروم نشود.

## موضوعیت رضاع توسط مادر

یک نکته دیگر که قبلاً نگفتیم این است که آیا رضاع موضوعیت دارد این هم خودش نکته مهمی است آیه می‌فرماید که باید با هم همکاری کنید که این بچه از شیر محروم نماند آن زمان اینطور نبوده که شیر خشک و طرق دیگری متصور باشد مادر بوده یا استیجار یک مرضعه‌ای بوده است که آیه می‌فرماید که «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» همکاری کنید که بچه شیر مادر را بخورد ولی در عین حال «وَأِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسْتَزْعُ لَهٗ أُخْرَىٰ» «طلاق/ ۶» اما اگر نشد این نشد به دلیل اینکه یکی یا هر دو گناه کار هستند این نشد آن وقت باید مرضعه دیگری را انتخاب کند که ظاهر آیه این است که اگر در عسر و حرج قرار نمی‌گیرند و امکان برایشان هستند باید همکاری کنند که که بچه شیر مادر بخورد آیه خیلی دلالت خوبی دارد تأکید آیه بر این است که بچه شیر مادر بخورد «وَأِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسْتَزْعُ لَهٗ أُخْرَىٰ» این همکاری که می‌شود آیا رضاع در اینجا موضوعیت دارد جوابش این است که بله رضاع از مادر موضوعیت دارد. آیه به شیر خوردن از مادر تأکید دارد در حدی که امر دارد می‌گوید همکاری کنید که این شیر مادر را بخورد اگر نشد «فَسْتَزْعُ لَهٗ أُخْرَىٰ» آن موضوعیت ندارد اینکه دیگری به او شیر دهد یا نشد شیر خشک به او دهد بعدش خیلی موضوعیت ندارد. ولی آیه روی شیر مادر تأکید دارد؛ و لذا یکی از بحث‌هایی که در تربیت جسمانی از محورهای مهم است شیر مادر



است که امروزی‌ها هم روی آن خیلی تأکید می‌کنند روایاتی دارد که بعضی تام است و بعضی تام نیست ولی به نظر می‌آید که خود این آیه بر شیر مادر تأکید دارد و امر می‌کند که همکاری کنید تا آنجایی که میسر است این بچه شیر مادر بخورد ولی گاهی ممکن است با هم فاصله داشته باشند که قابل جمع نیست آن وقت «فَسْتَرْضِعْ لَهُ أُخْرَى» بنابراین رضاع از مادر موضوعیت دارد و آیه هم روی این تأکید دارد.

### محدوده سنی در شمول آیه ائتمار

سؤال دیگری هم وجود داشته که اگر ما «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» را مطلق کردیم گفتیم اختصاص به رضاع و بعد تربیت جسمی ندارد شامل تربیت اخلاقی و روحی و این‌ها هم می‌شود یعنی از لحاظ دامنه شامل ساحت‌های دیگر هم می‌شود آیه از نظر سنی این اختصاص به همان دوره کودکی دارد یا از نظر مراحل سنی شمول دارد یا نه یعنی این می‌گوید که همکاری کنید در همین دوره ای که دوره رضاع اوست منتهی در همه قلمروها همکاری کنید یا بعد از آن هم شامل می‌شود ظاهراً این آیه شامل نمی‌شود و آیه به دوران کودکی و و رضاع بچه اشاره دارد اما اینکه بعد از آن را هم شامل می‌شود یا نه یک مقداری بعید است گر چه یک احتمال هم این است که شامل می‌شود یعنی می‌گوید زن و مردی که از هم جدا شده‌اند چون گفتیم هم در رضاع هم در سایر امور همکاری کنند. تا وقتی که این بچه نیاز به مسائل آموزشی و تربیتی دارد می‌گوید همکاری کنید اگر گفتیم شامل موضوعات دیگر غیر از رضاع می‌شود ساحت‌های دیگر تربیت را هم شامل می‌شود تربیت عبادی و اعتقادی و اخلاقی و شخصیتی در آن محدوده‌ای که پدر و مادر وظیفه دارند اگر بگوییم شامل آن ساحت‌های دیگر می‌شود آن وقت این سؤال پیدا می‌شود که فقط در همان سنین رضاع است یا اینکه در سنین نوجوانی و جوانی هم شامل می‌شود. این نکته وجود دارد که اگر گفتیم شامل ساحت‌های دیگر می‌شود ممکن است بگوییم سنین بعدی را هم شامل می‌شود ممکن است بگوییم اختصاص به سن کودکی اول و دوره رضاع دارد که این اطلاق یک مقدار بعید است چون دوره کودکی ویژگی‌هایی دارد که در آن دوره این تحاور و همکاری را آیه تأکید می‌کند. در مجموع علی‌رغم اینکه ما سابق به این اطلاق بیشتر معتقد بودیم الان بیشتر جرأت اینکه آدم بگوید این «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» که در این آیه آمده می‌خواهد در قلمروهای دیگر برود و مثل «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» شود جرأت‌مان خیلی کم شد؛ و فکر می‌کنیم در همان محدوده رضاع و اگر از رضاع الغاء خصوصیت



کنیم مسائل جسمی و پرورشی به آن شکلی که بچه در آن سنین لازم دارد اینکه شامل سنین بعد و مسائل گسترده شود نه فوقش این است که بگوئیم از نظر اینکه شیر بخورد و محبت ببیند این حدش بعید نیست اما اینکه در سنین بالاتر ببریم و بخواهیم در ساحتهای آموزشی و تربیت اعتقادی و اینها را بگیرد ظاهراً نمی‌شود.

## جمع بندی آیه ائتمار

تربیت خانوادگی در محدوده تربیت جسمی و یک مقدار هم تربیت‌های محبتی و چیزهایی که لازمه رشد بچه است در دو سه سال اولی که وقت شیر است. تربیت جسمی و روحی او در حد متعارفی که لازمه شکل‌گیری شخصیت سالم است می‌گوید توجه کن. جمع‌بندی آیه و نسبتش با آیه قبل این است که آیه قبل یک دامنه وسیعی را از لحاظ مراحل سنی و موضع‌های تربیت و وظیفه لازمی که اعضای خانواده در قبال هم داشتند را می‌گرفت اما محدوده این آیه لزوم ضرورت همکاری پدر و مادر در تربیت دوره کودکی است در حوزه رضاع و قلمروهای دیگری که لازمه سالم بودن شخصیت فرد است در این حد واجب است بعد از اینکه طلاق هم می‌دهند به این توجه کنند. طبعاً اگر در این محدوده بگیریم قبل از طلاق هم می‌شود تنقیح مناط کرد یعنی محدوده آیه را به این بگیریم زوجین قبل از آن هم باید به این توجه کنند بعدش هم همینطور است و لذا آیه آیه خوبی است ولی نه اینکه در محدوده سنی وسیع و در قلمروهای خیلی گسترده به خلاف «قُوا أَنْفُسَكُمْ» که محدوده وسیعی را در بر می‌گیرد این یک مقدار دامنه و دائره دلالتش محدود به سنین اول و تربیت رضاع و آنچه که در حکم او هست از مسائلی که در سلامت او تأثیر دارد تا این حد که اگر این انجام نشود آدم عقده‌ای می‌شود اینها را می‌گیرد؛ و آیه خیلی هم تأکید دارد این حاصل بحث ما در آیه است هر دوی این آیه با بحث تربیت خانوادگی ربط دارد و ما وارد ریزه‌کاری‌های ادبی و بیانی و تأکیداتش نشدیم و آنها را سابق بیشتر بحث کردیم ولی آن آیه دامنه وسیعی را از رعایت‌های تربیتی در بر می‌گیرد و این آیه محدوده مضیق‌تری دارد ولی هر دو با بحث تربیت خانوادگی ارتباط دارد.